

شعار درست کدام است؟

رامین کامران

موقعیت امروز ما، از یک جهت - جهتی بسیار مهم - به جنبش سبز شبیه است: هنوز در مرحله تعیین درست شعار مبارزه هستیم. یکی از دلایل شکست آن جنبش، در کنار نبود استراتژی و حضور رهبران عوضی، همین پیدا نکردن شعار مناسب بود که میبایست هدف و هویت مبارزه را معین میکرد. چنین کاری قاعدتاً بر عهد رهبری است و چون رهبران تسخیری آنهايي بودند که میدانیم، شعار هم از حد رأی من کو، فراتر نرفت...



امروز موقعیت فرق میکند و اصلاح طلبان از میدان بیرون رانده شده اند. مزاحمت رسانه ای که باندشان ایجاد میکند، نباید مانع دیدن موقعیت واقعی آنها بشود. خواستهای صنفی هم که در انتخاب شعار اعوجاج ایجاد میکرد، بالاخره و چنانکه باید، در سایه خواست سیاسی اصلی که براندازی است، قرار گرفته. پس باید دید که شعار درست چیست. مسئله حیاتیست و تعارف و سهل انگاری هم برنمیدارد.

حضور در خیابان، به خودی خود معنایی ندارد، باید خواستی را بیان کرد. شعار دادن در تظاهرات، به قصد ابراز سلیقه فردی و خلاصه انتخاب دلخواهی انجام نمیشود. شعار های متعدد، یعنی پراکندگی جمع. همینکه افراد در خیابان در کنار هم راه بروند و شعار بدهند، معنای وحدت آنها را نمیدهد. وحدت سیاسی، فیزیکی نیست، فکری است و در شعار باز میتابد. شعار واحد بین تجمعاتی که در چندین شهر تظاهرات میکنند، وحدت میافریند. شعار های متنوع، جمعیت واحد چند میلیون نفری را هم از هم جدا نگاه میدارد. شعار، هویت سیاسی شما را معین میکند. معلوم کنید که چه نمیخواهید و چه میخواهید - هر دو. وقتی اینها روشن باشد، نباید در به حاشیه راندن شعار های نفاق افکن، تردید کرد.

از یک طرف مجاهدین هستند که به حساب نمیایند و فقط های و هو میکنند. پس راجع به آنها صحبت نمیکنم. میمانند پهلوی طلبان و جمهوری خواهان.

تکلیف گروه اول از بابت شعار روشن است. اگر از مردم بخواهند طالب بازگشت مشروطیت بشوند، میدانند که کسی دنبالش نخواهد آمد.

داستان رضا شاه روح شاد هم که اینبار لااقل شنیده نشده. پس سخنی جز خواستاری سرنگونی به هر شکل و قیمت ندارند که به کسی عرضه کنند. همین وجه منفی کار است، به کلی ترین صورت آن. اینکه دائم اینجا و آنجا دعوت بشوند و حرفی بزنند، بی برگی شان را نمپوشاند که هیچ، بیشتر هم آشکارش میکند. از دید اینها، کار قرار است با دخالت خارجی سامان بگیرد و برای همین است که غیر از یک شعار منفی و کلی، حرفی برای زدن ندارند.

میمانند جمهوری خواهان که در جمع و با وجود سر و صدای بقیه، اساساً بیشترین بخت را برای پیشبرد کار دارند. در اینجا شعار جمهوری خالی کافی نیست، چون فقط قالب حکومت آینده را روشن میکند، معلوم میکند که با سلطنت مخالفند - همین. بعد نوبت جمهوری ایرانی است که در پایان جنبش سبز و از دل مردم زاده شد و شعار بسیار خوبیست، زیرا موضعگیریش در برابر جمهوری اسلامی بسیار روشن و بی ابهام است. ولی اینجا هم با همان مشکل نامعین بودن محتوای این جمهوری مواجهیم. این نقطه ضعف، بردش را کم میکند و از ضربش میکاهد.

جمهوری دمکراتیک و لائیک که شعار جبهه جمهوری دوم است، تنها شعاری است که هم از بابت پس زدن گزینه های نامطلوب، دقیق است و هم از جهت معین کردن محتوای جمهوری آینده. بخش برنده و اصلی این شعار، همان لائیسیته است. این است که باید بر شعار های پراکنده غلبه کند و از دل آنها وحدت بیرون بکشد.

تا درست ندانید که به کجا میخواهید بروید و این مقصود را به روشنی بیان نکنید، ده انقلاب دیگر هم بکنید، کار به جایی نخواهد رسید. انسجام فکر و وحدت شعار، قدم اول پیروزی است.

۹ دسامبر ۲۰۱۹، ۱۸ آذر ۱۳۹۸

برگرفته از سایت (iranliberal.com)